

مرور سیستماتیک و ارائه مدلی مفهومی در شیوه‌های آموزش کارآفرینی

علیرضا مطلبی نژاد^۱، الهام شیردل^۲، علیرضا احمدی پرست^۳، سعیده سادات شنایی^۴

^۱استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، سمنان، ایران

^۲دانشجوی کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه پیام نور، دامغان، ایران

^۳دانشجوی کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه پیام نور، دامغان، ایران

^۴دانشجوی کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه پیام نور، دامغان، ایران

چکیده

آموزش کارآفرینی در دهه گذشته به یک موضوع محبوب تبدیل شده است زیرا اعتقاد بر این است که یک عامل مهم در تقویت قابلیت‌های کارآفرینی، نوآوری و رشد اقتصادی است. این پژوهش با مرور ادبیات مرتبط با این حوزه و چهار برنامه برتر آموزش، یک مدل مفهومی برای بهترین شیوه‌ها در آموزش کارآفرینی را پیشنهاد می‌کند. پژوهش حاضر هشت موضوع کلیدی مرتبط با بهترین شیوه‌ها در آموزش کارآفرینی از جمله یادگیری تجربی، مربیگری، تعبیه کارآفرینی در برنامه‌های درسی و برنامه‌ها، رویکرد چند رشته‌ای، همکاری با ذینفعان خارجی، پرورش ذهنیت کارآفرینی، تدریس مهارت‌ها و دانش و سنجش مهارت یادگیری را شناسایی می‌کند. این مطالعه با استفاده از یک مدل مفهومی، چارچوب جامعی را برای طراحی، ارائه و ارزیابی برنامه‌های آموزش کارآفرینی پیشنهاد می‌کند که این مدل اهمیت همسویی اهداف و نتایج برنامه با نیازهای کارآفرینان و جامعه، ایجاد محیطی یادگیرنده محور، ادغام یادگیری و تفکر تجربی، ارائه حمایت کافی از طریق راهنمایی و مربیگری، پرورش خلاقیت و نوآوری و ارزیابی و اندازه‌گیری تأثیر را برجسته می‌کند. پژوهش حاضر با بحث در مورد برخی از چالش‌ها و فرصت‌ها در آموزش کارآفرینی، از جمله نیاز به تحقیقات بیشتر برای اطلاع‌رسانی به عمل، نیاز به همکاری بین ذینفعان مختلف، تأثیر عوامل فرهنگی و نهادی و نقش فناوری در افزایش آموزش کارآفرینی به پایان می‌رسد. یافته‌های این بررسی می‌تواند به عنوان راهنمایی برای مربیان، سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران علاقه‌مند به ترویج آموزش و یادگیری کارآفرینی مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، آموزش کارآفرینی، یادگیری، مدل مفهومی.

۱- مقدمه

امروزه آموزش کارآفرینی اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است و به عنوان نوشدارویی برای بیکاری جوانان در بسیاری از کشورها معرفی می‌شود (فیلیون و دولابلا، ۲۰۰۷؛ نبی و لنان^۱، ۲۰۱۱). اهمیت آموزش کارآفرینی (EE) از این واقعیت ناشی می‌شود که برای دانشجویان در رشته‌های مختلف تحصیلی ارزش زیادی دارد و آنها را به دانش، مهارت، نگرش و انگیزه کارآفرینی لازم برای کمک به ایجاد و مدیریت کسب و کار خود مجهز می‌کند. اهمیت آموزش کارآفرینی، دانشگاه‌ها را برای ارائه آموزش کارآفرینی با کیفیت بالا تحت فشار قرار می‌دهد (جونز و همکاران^۲، ۲۰۱۷)؛ بنابراین، نمایه کارآفرینی پویا، موثر و کل نگر به یک مزیت رقابتی برای دانشگاه‌ها تبدیل شده است. آموزش کارآفرینی با کیفیت بالا به عنوان یک ابزار سیاستی در نظر گرفته می‌شود که به ایجاد مشاغل جدید، افزایش رشد، ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر و ایجاد اقتصادهای نوآورانه و شکوفا کمک می‌کند (گیب و همکاران^۳، ۲۰۱۳).

از این منظر، اگر کشوری بخواهد در تحقق هدف کارآفرینی موفق شود، باید کارآفرینان را در معرض تکنیک‌های مدرن و سازگاری قرار دهد که توانایی یافتن فرصت‌های تجاری جدید و فرآیند ایجاد سرمایه‌گذاری را تقویت می‌کند. اینکه چگونه دانشگاه‌ها می‌توانند این وظیفه را انجام دهند، حوزه‌ای از تحقیقات است که علاقه و توجه زیادی را به خود جلب نموده است. در طول ۲۰ سال گذشته، مطالعات زیادی برای ارزیابی آموزش کارآفرینی و بررسی شیوه‌های آموزش کارآفرینی در کشورهای مختلف انجام شده است (جونز و همکاران، ۲۰۱۷؛ فیلیون و دولابلا، ۲۰۰۷؛ کلایپر، ۲۰۰۴؛ آیزاکس و همکاران، ۲۰۰۷؛ کریمی؛ و همکاران، ۲۰۱۰؛ سولومون و همکاران، ۲۰۰۲؛ کاتز، ۲۰۰۳؛ سیرلخاتیم و گانگی^۴، ۲۰۱۵). بیشتر این مطالعات، شیوه‌های آموزش کارآفرینی را در یک کشور ارزیابی می‌کنند، اما هیچ کدام ویژگی‌های اصلی و بهترین شیوه‌ها را در کشورهای مختلف شناسایی نکرده‌اند. این یک خلأ در ادبیات این حوزه است که شیوه‌های آموزش کارآفرینی را در کشورهای مختلف مقایسه و رتبه‌بندی می‌کند (جونز و همکاران، ۲۰۱۷؛ وسپر و گارتنر، ۱۹۹۷؛ پکهام و همکاران^۵، ۲۰۱۰).

این مقاله سعی دارد با شناسایی بهترین شیوه‌ها در آموزش کارآفرینی، شکاف فوق‌الذکر را پر کند و به طور خاص، بهترین شیوه‌ها را در رابطه با محتوای برنامه درسی، استراتژی‌ها و روش‌های تدریس بررسی نماید. برای انجام این کار، نیازمند بررسی مطالعات انجام شده در این زمینه برای شناسایی ترکیبی از عوامل مشترک هستیم. مرور ادبیات با انجام یک بررسی از چهار برنامه برتر کارآفرینی در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد در ایالات متحده و اتحادیه اروپا غنی‌سازی شده است. این برنامه‌ها همانگونه که در بخش روش شناسی به تفصیل شرح داده شده است، بر اساس معیارهای اعتباربخشی دانشگاهی که توسط مؤسسات اعتباربخشی مختلف در ایالات متحده و اتحادیه اروپا انجام می‌شود، انتخاب می‌شوند. اولین نمونه در مقطع کارشناسی، نمونه‌ای است که توسط کالج بایسون ارائه شده است (مدل اعتباریابی شده EQUIS) که بررسی پربنستون آن را به عنوان برترین برنامه کارآفرینی مقطع کارشناسی در آمریکا در سال ۲۰۱۵ رتبه بندی می‌کند. نمونه دوم در سطح کارشناسی ارشد توسط دانشگاه میشیگان ارائه شده است (مدل اعتباریابی شده AACSB) که در رتبه اول برای برنامه‌های تحصیلات تکمیلی قرار دارد. علاوه بر اینها، دو نمونه دیگر از اتحادیه اروپا گرفته شده است که یک برنامه تحصیلات تکمیلی - MBA- در وین است که به طور مشترک توسط دانشگاه فناوری وین (مدل اعتباریابی شده EFMD EQUIS، AACSB و انجمن MBA) ارائه شده است. دانشگاه اقتصاد و تجارت وین (مدل اعتباریابی شده توسط انجمن MBAs، FIBAA و

¹ Filion and Dolabella, 2007; Nabi and Lennan

² Jones et al.

³ Gibb et al.

⁴ Jones et al., 2017; Filion and Dolabella, 2007; Clapper, 2004; Isaacs et al., 2007; Karimi. et al., 2010; Solomon et al., 2002; Katz, 2003; Sirelkhatim and Gangi 2015

⁵ Jones et al., 2017; Vesper and Gartner, 1997; Packham et al., 2010

EFMD EQUIS) دومین برنامه اروپایی یک برنامه کارشناسی در انگلستان در دانشگاه لنکستر (مدل اعتبار یابی شده AACSB) است. این چهار مثال با استفاده از محتویات برنامه درسی و طبقه بندی روش تدریس به طور کامل مورد بحث قرار می گیرند. بر اساس نتایج حاصل از چهار مورد، یک چارچوب مفهومی برای بهترین آموزش کارآفرینی ایجاد شده است که گزاره های اولیه این مطالعه از آن استخراج شده است. بخش بعدی، مرور ادبیات را برای بررسی شیوه های مختلف آموزش کارآفرینی ارائه می کند و بهترین شیوه های آموزش کارآفرینی را پیشنهاد می کند.

۲- ادبیات و پیشینه پژوهش

اگرچه بسیاری از مطالعات موضوعات مرتبط با آموزش کارآفرینی، مانند روندهای این رشته و تأثیر آن بر انگیزه ها و مقاصد کارآفرینان را بررسی کرده اند، اما توجه نسبتاً کمتری به بهترین شیوه های آموزش کارآفرینی شده است. روند رو به افزایشی برای محققان از رشته های مختلف برای پرداختن به آموزش کارآفرینی وجود دارد. آن ها از جنبه های مختلف، از جمله محتوای برنامه درسی، روش های تدریس و تأثیرات آن ها بر کارآفرینان، شایستگی، نیت و انگیزه ها، به آن می پردازند هر چند که این کار آسانی نبوده و نیازمند بررسی توامان ادبیات و بررسی انتقادی از برنامه های آموزش کارآفرینی رتبه برتر دارد. ما در این بخش به مرور ادبیات مربوطه می پردازیم و در بخش بعدی نیز چهار نمونه برنامه برتر کارآفرینی مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

رابینسون و همکاران^۶ (۲۰۱۶) اظهار داشت که گاهی اوقات استفاده و ترکیب چندین نظریه و روش یادگیری برای افزایش آگاهی و طرز فکر کارآفرینی مفید است. علاوه بر این، آموزش کارآفرینی باید از معلم محوری به دانش آموز محوری و تمرکز بر تکنیک های یادگیری مادام العمر وجودی و تجربی تغییر کند. مطالبی که اغلب در دوره های کارآفرینی ظاهر می شوند نشان می دهند که روش های تدریس در دسته های مختلفی قرار می گیرند، مانند مطالعات موردی، ارائه های فردی، پروژه های گروهی، سخنرانی های رسمی، سمینارها، سخنرانان مهمان، یادگیری مبتنی بر وب و بحث های گروهی (آراوجو و دابیل، ۲۰۱۸؛ روچا و فریتاس^۷، ۲۰۱۴). آموزش کارآفرینی، با تأکید بر مهارت ها، شایستگی ها و هدف کارآفرینی، استدلال می کند که این دو دیدگاه، عمل کارآفرینی را انجام می دهند. اولی بر آموزش در مورد کارآفرینی متمرکز است، در حالی که دومی آموزش برای کارآفرینی است. به این معنی که اولی رویکردی نظری به موضوع است، در حالی که دومی تئوری را با عمل با تأکید بر بازیگری ترکیب می کند.

مانند هر حوزه آموزشی دیگری، شیوه های آموزش کارآفرینی متفاوت است و طیف وسیعی را شامل می شود. محققان به دنبال پاسخ به سؤالاتی از جمله اینکه کدام نوع از شیوه های آموزش کارآفرینی مؤثرتر است و ماهیت دقیق هر نوع هستند گیب^۸ (۲۰۰۲). بنت و بارخوینز^۹ (۲۰۱۴) استدلال می کنند که در مورد مؤلفه هایی که باید در برنامه های آموزش کارآفرینی مؤثر گنجانده شوند، توافق نظر حاصل نشده است. با این وجود، برخی از نویسندگان قابلیت آموزش کارآفرینی را برای نتایج اقتصادی یا فردی مورد تردید قرار دادند (پیتاوی و کوپ^{۱۰}، ۲۰۰۷) و به موازات این خط تفکر، آنها خواستار مطالعات بیشتر برای توسعه مفهومی و نظری برای برنامه های آموزش کارآفرینی مؤثر و بادوام هستند (گرین و همکاران^{۱۱}، ۲۰۰۴).

سه موضوع کلی ارائه آموزش کارآفرینی عبارتند از:

⁶ Robinson et al.

⁷ Araujo and Daniel, 2018; Rocha and Freitas, 2014

⁸ Gabe

⁹ Bent and Barkhuizen

¹⁰ Pittaway and Cope

¹¹ Green et al.

۱) دوره‌های نظریه محور با این موضوع که کارآفرینی «درباره» چه موضوعاتی بحث می‌کند (پیروپولوس و دیموف^{۱۲}، ۲۰۱۴) و با هدف افزایش آگاهی در مورد کارآفرینی، دانش‌آموزان را تشویق می‌کنند تا کارآفرینی را به عنوان یک انتخاب شغلی بالقوه انتخاب کنند (فایول و گیلی ۲۰۰۸؛ فایول و گیلی^{۱۳}، ۲۰۱۵) و خوداشتغالی را در نظر بگیرند (کلپر و تگنمایر^{۱۴}، ۲۰۱۰).

۲) دوره‌های عملی محور که کارآفرینی "برای" آنها آموزش‌های لازم را می‌دهد (پیروپولوس و دیموف، ۲۰۱۴) و هدف آن تشویق دانش‌آموزان و افزایش انگیزه آنها برای کارآفرینی در آینده است و ۳) فرایند کارآفرینی را "از طریق" فارغ‌التحصیل شدن کارآفرینان (وینست و فارلو، ۲۰۲۰)، حمایت از ایجاد سرمایه‌گذاری جدید (لوندکوویست و ویلیامز میدلتون^{۱۵}، 2013) و توسعه شایستگی‌های کارآفرینی آنها محقق می‌نماید (بریج و همکاران^{۱۶}، ۲۰۱۰).

گردن و گرین^{۱۷} (۲۰۱۱) پس از بررسی کامل سه موضوع اصلی آموزش کارآفرینی، رویکرد جدیدی را با عنوان روش آموزش کارآفرینی ارائه کردند. این رویکرد آموزشی به جای محتوای خاص کارآفرینی بیشتر به روش آموزش بستگی دارد. آنها معتقدند که رویکرد کارآفرینی به عنوان یک روش، به معنای آموزش روشی از تفکر و عمل مبتنی بر فرضیات با استفاده از مجموعه‌ای از تکنیک‌ها برای تشویق ایجاد کسب‌وکارهای جدید است. این روش دانش‌آموزان را مجبور می‌کند تا فراتر از ادراک، دانستن و صحبت کردن بروند. علاوه بر این، نیازمند استفاده از ابزارهای کارآفرینی، به کارگیری ایده‌های تجاری و اقدام به عنوان کارآفرین می‌باشند. این روش مستلزم تمرین کارآفرینی است که باعث ایجاد فرهنگ کارآفرینی در بین دانش‌آموزان در کلاس‌های درس و فراتر از آن می‌شود. برای توضیح این رویکرد، آنها استدلال می‌کنند که روش کارآفرینی قابل آموزش و یادگیری است، اما قابل پیش‌بینی نیست. علاوه بر این، آنها بیان می‌کنند که روش وابسته به افراد است اما وابسته به یک نوع فرد نیست ضمن اینکه روش کارآفرینی فراتر از ادراک، دانستن و صحبت کردن است و استفاده، به کارگیری و عمل را می‌طلبد و مهمتر از همه، رویکرد روش آموزش کارآفرینی نیازمند تمرین می‌باشد.

بهترین شیوه‌ها برای توسعه شایستگی‌های کارآفرینی، در برنامه‌های کارشناسی حاصل از این پژوهش مبین این امر است که دانش‌آموزان باید در فرآیند یادگیری شرکت کنند و کاری تعاملی انجام دهند، زیرا با انجام دادن است که آنها یاد می‌گیرند. مشارکت دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری برای بهبود شایستگی‌های کارآفرینی مهم تلقی می‌شود. گردن و همکاران (۲۰۱۴) آموزش کارآفرینی را به پنج شیوه اصلی، یعنی تمرین بازی، تمرین همدلی، تمرین خلاقیت، تمرین آزمایش و تمرین تفکر طبقه بندی می‌کند. منظور از تمرین بازی، توسعه یک ذهن آزاد و تخیلی است که به فرد اجازه می‌دهد تا انبوهی از امکانات، دنیایی از فرصت‌ها و مسیری به سوی روش‌های نوآورانه‌تر برای کارآفرینی را ببیند. از سوی دیگر، تمرین همدلی به مهارتی اجتماعی و عاطفی اشاره دارد که به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا احساسات، شرایط، نیات، افکار و نیازهای دیگران را احساس و درک کنند. تمرین کردن باعث می‌شود که دانش‌آموزان قبل از اقدام به کارآفرینی، به بهترین شکل یادگیری‌های خود را تمرین نمایند. در نهایت، تفکر نیاز به فراشناخت دارد - یعنی تفکر در مورد نحوه شکل دهی و سازماندهی تفکرات خود به منظور تدوین یادگیری شخصی.

ولز و همکاران^{۱۸} (۲۰۱۶) استدلال کرد که دانشجویان کارآفرینی باید دروس بیشتری را نسبت به دانشجویان بازرگانی در دانشگاه‌ها بگذرانند. برای راه اندازی یک شرکت باید تا حد امکان مهارت‌های بیشتری کسب کرد. این را نمی‌توان به دست

¹² Piperopoulos and Dimov

¹³ Fayol and Gilley 2008; Fayol and Gilley

¹⁴ Klapper and Tegmeier

¹⁵ Lundqvist and Williams Middleton

¹⁶ Bridge et al.

¹⁷ Gond and Green

¹⁸ Wells et al

آورد مگر اینکه دانش آموزان طیف وسیعی از دوره ها را مطالعه کنند. علاوه بر این، آنها استدلال کردند که آموزش کارآفرینی باید رویکردی فرآیند محور را اتخاذ کند که پایداری در دانش آموزان ایجاد کند تا بتوانند در مواقع شکست و ناامیدی به کار خود ادامه دهند؛ بنابراین فراتر از دانش شناختی اکتسابی و اهداف آموزشی، خود فرآیند آموزش نیز مهم می باشد. در یکی از تلاش‌های اولیه انجام شده، فیت^{۱۹} (۲۰۰۱) به این نتیجه رسید که پیشنهاد آنچه که می‌توان به عنوان بهترین شیوه‌ها توصیف کرد، چالش برانگیز است، زیرا حوزه آموزش کارآفرینی در مراحل ابتدایی خود است و فاقد چارچوبی برای ارزیابی بهترین شیوه‌ها است. با این حال، بررسی بهترین شیوه‌ها مهم است، زیرا به دانشگاه‌ها در برنامه‌ریزی و توسعه تدارکات و برنامه‌های کارآفرینی خود کمک می‌کند (نورمی و پاسیو^{۲۰}، ۲۰۰۷).

علاوه بر این، اهداف برنامه‌های آموزش کارآفرینی به طور گسترده‌ای متفاوت است (سیرلکاتیم و گانگی^{۲۱}، ۲۰۱۵) و بهترین شیوه‌ها باید با میزان دستیابی برنامه به اهداف خود سنجیده شود. همچنین، هنگام ارائه برنامه‌های کارآفرینی، باید توجه داشته باشیم که برنامه‌های صرف با هدف ایجاد کارآفرینان فارغ‌التحصیل ارائه نکنیم. در عوض، برنامه‌های کارآفرینی باید طیف وسیعی از دانشجویانی را که ممکن است بخواهند مدیران انکوباتور، کارآفرینان داخلی یا دانشجویان دکترا باشند، مورد توجه قرار دهد (راسموسن و سورهایم^{۲۲}، ۲۰۰۶). در آموزش کارآفرینی و ادبیات یادگیری کارآفرینی به خوبی ثابت شده است که رویکردهای آموزشی تجربی، محیط‌های یادگیری کارآفرینانه بهینه را ایجاد می‌کنند. بسیاری از محققان مؤلفه‌هایی را که می‌تواند یک برنامه را توصیف کند به عنوان بهترین شیوه در نظر گرفته‌اند. جونز و جونز (۲۰۱۱) و لورنک و همکاران^{۲۳} (۲۰۱۳) توافق کردند که برنامه‌ها باید شامل مؤلفه‌های تجاری تئوری و واقعی باشد. لورنس و همکاران^{۲۴} (۲۰۱۳) همچنین پیشنهاد کرد که جلسه آموزشی باید بر اساس روش ساختار ۷۰/۳۰ تقسیم شود. اینجاست که معلم ۳۰ درصد از برنامه را برای ارائه مفاهیم و ابزارها و ایجاد سناریوهای یادگیری ارائه می‌کند، در حالی که ۷۰ درصد از جلسه به دانش‌آموز اجازه می‌دهد تا با انجام کار تمرین کند و یاد بگیرد (لورنس و همکاران، ۲۰۱۳). جونز و جونز (۲۰۱۱) بر اهمیت مربیگری و مسابقات برنامه‌ریزی کسب و کار به عنوان اجزای برنامه بهترین تمرین تاکید کردند.

علاوه بر این، جنبه آموزشی ایجاد شایستگی کارآفرینی کافی نیست، همانطور که گالوانو و همکاران^{۲۵} (۲۰۲۰) استدلال می‌کنند، برنامه‌های آموزش کارآفرینی باید با حمایت‌های مالی ضروری و سایر امکانات فنی لازم برای ایجاد شرکت‌های جدید همراه باشد. در غیر این صورت، بودجه دولت برای برنامه‌های آموزش کارآفرینی، نتایجی را که هدف این ابزار سیاستی برای دستیابی به آن است، ارائه نخواهد کرد. برخی از نتایجی که دولت‌ها از تامین مالی آموزش کارآفرینی انتظار دارند، تقویت نوآوری، ایجاد شرکت‌های جدید، ارتقای توسعه منابع انسانی و بهبود توسعه اقتصادی است.

لینتون و کلینتون (۲۰۱۹) استدلال می‌کنند که دغدغه دانشگاه‌ها باید این باشد که دانشجویان را آماده کنند تا به آنها بیاموزند که مستقل فکر کنند، تجزیه و تحلیل کنند و عمل نمایند. اگر به خواسته‌های سیاست‌گذاران ترویج کارآفرینی برای افزایش تعداد کارآفرینان رسیدگی کنیم، محققان باید تلاش کنند تا بهترین شیوه‌ها را استخراج کنند. ریدوت و گری^{۲۶} (2013) پیشنهاد کردند که پاسخ دادن به مجموعه‌ای از سوالات برای هر برنامه، مربیان و محققان را قادر می‌سازد تا بهترین شیوه‌ها را استخراج کنند. این سوالات عبارتند از: اهداف کارآفرینی چیست، معلم کیست، نوع دانشگاه چیست، محتوای برنامه

¹⁹ Fit

²⁰ Nurmi and Passio

²¹ Sirlakati and Gangi

²² Rasmussen and Sørheim

²³ Jones and Jones (2011) and Lorenc et al. (2013)

²⁴ Lawrence et al

²⁵ Galvao et al

²⁶ Rideout & Gray

درسی چیست، چگونه باید آن را آموزش داد و آیا دانشجویان پذیرفته شده کسانی هستند که باید برای هدف خاص برنامه انتخاب شوند؟ این مقاله فقط به تشریح محتوای برنامه‌های درسی و نحوه آموزش آن برای برنامه‌های آموزشی با هدف تبدیل فارغ‌التحصیلان به کارآفرینان می‌پردازد. مطالعه آموزش کارآفرینی برای معلمان نشان می‌دهد که نیازمند تغییرات قابل توجهی در نحوه آموزش معلمان می‌باشد. یکی از راه‌های پیشنهادی اتخاذ روش‌های نوآورانه برای آموزش معلمان در زمینه کارآفرینی است (دستور کار اسلو برای آموزش کارآفرینی در اروپا).

از نظر سولومون^{۲۷} (۲۰۰۷) در حال حاضر چندین موضوع اصلی پدیدار شده که به طور گسترده‌ای به عنوان مهم‌ترین موضوعات در آموزش کارآفرینی شناخته شده است (کوراتکو^{۲۸}، ۲۰۰۵). برخی از این موضوعات عبارتند از: تامین مالی مخاطره‌آمیز، استراتژی‌های کارآفرینی، شناخت کارآفرین، اخلاق کارآفرینی، مدیریت استراتژیک کسب‌وکار مانند مدیریت نوآوری، شبکه‌های کارآفرینی، بین‌المللی‌سازی، یادگیری سازمانی، مدیریت منابع انسانی، رشد سرمایه‌گذاری جدید (نگاه کنید به ایرلند، هیت و کمپ بومن (۱۹۸۴)، کارآفرینی شرکتی، کارآفرینی اجتماعی و مدیریت کسب و کار خانوادگی).

اما آنچه مشخص است اندازه‌گیری موفقیت و اثربخشی کارآفرینی با دیدگاه‌ها و معیارهای متضاد و سودمندی آن تقریباً مورد مطالعه قرار نگرفته است (هونینگ، ۲۰۰۴، فایول، ۲۰۱۸، ریدآوت و گری، ۲۰۱۳). در این مقاله، منبع دیگری برای روشن شدن بهترین شیوه‌ها بررسی خواهد شد که این امر شامل بررسی برنامه‌های درسی و روش‌های آموزشی ارائه شده توسط چهار برنامه برتر کارآفرینی است. این برنامه‌ها بر اساس معیارهای اعتباربخشی دانشگاهی انجام شده توسط موسسات اعتباربخشی مختلف در ایالات متحده و اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۸ انتخاب می‌شوند که عبارتند از EFMD EQUIS، AACSB، EQUIS، انجمن MBAs و FIBAA.

داده‌های مربوط به محتوای برنامه‌های درسی و روش‌های تدریس از وبسایت این مؤسسات جمع‌آوری شده است. تیبریوس و همکاران^{۲۹} (۲۰۲۳) ضمن تجزیه و تحلیل برنامه درسی اهداف، محتوای یادگیری، تدریس و همچنین روش‌های ارزیابی ۵۰ مورد از بهترین برنامه‌های مدیریت اجرایی در کارآفرینی را بررسی نمودند. نتایج نشان می‌دهد که برنامه‌ها عمدتاً برنامه‌های تجاری و مدیریتی هستند که فی‌نفسه تمرکز نسبتاً کمی روی کارآفرینی دارند. حدود یک سوم از برنامه‌ها به اهداف خاص کارآفرینی، مانند رهبری کارآفرینی، ذهنیت کارآفرینی، مهارت‌های کارآفرینی، ایجاد فرصت و شناسایی فرصت اشاره می‌کنند. علاوه بر بسیاری از ماژول‌های تجاری، مدیریتی و قانونی، محتوای آموزشی در ۴۳ برنامه به طور صریح به کارآفرینی اشاره دارد. آنها شکست کارآفرینی، مدیریت، طرز فکر و کارآفرینی عمومی را پوشش می‌دهند. روش‌های تدریس مرتبط معمولاً در آموزش عالی اقتصاد و مدیریت یافت می‌شود. برنامه‌ریزی تجاری و نمونه‌سازی فقط چند بار ذکر شده است. هیچ فرم ارزیابی خاص شرکت برای روش‌های ارزیابی وجود ندارد، اما روش‌های رایج نیز وجود دارد. راسموسن و سورهایم^{۳۰} (۲۰۰۶) آموزش کارآفرینی مبتنی بر عمل را در پنج دانشگاه سوئد بررسی کردند. آنها دریافتند که بسیاری از برنامه‌های بررسی شده دانش آموز محور هستند و به شدت به مشارکت دانش‌آموزان متکی هستند. با این حال، مدل‌های دیگری که در آن دانشجویان با ایده‌های تجاری تربیت می‌شوند، اعتقاد بر این است که پتانسیل بالایی دارند و احتمالاً در عین حال که به منابع بیشتری نیاز دارند اما کسب‌وکارهای جدید قابل دوام ایجاد می‌کنند. بر اساس نتایج چهار مورد از این برنامه‌ها، آنها دریافتند که فعالیت‌های مختلفی با هدف پرورش کارآفرینان و تشویق به ایجاد مشاغل جدید انجام می‌شود.

²⁷ Solomon

²⁸ Kuratko

²⁹ Tiberius et al

³⁰ Rasmussen & Sørheim

با این وجود، بیشتر این برنامه‌ها به‌عنوان مبنایی برای اقدام و یادگیری قلمداد می‌شوند. علاوه بر این، آنها استدلال کردند که چهار مورد از این برنامه‌ها مبین این امر است که آموزش کارآفرینی عمل‌گرا بسته به زمینه عملیاتی و میزان بهاء دادن و اهتمام یک دانشگاه، می‌تواند به طرق مختلف انجام شود. سولومون (۲۰۰۷) یک بررسی تحلیلی از وضعیت آموزش کارآفرینی در ایالات متحده آمریکا برای سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۵ انجام داد. او دریافت که استفاده از مدل‌های قدیمی برای ارائه برنامه‌های آموزش کارآفرینی همچنان رایج و بسیار محبوب است. برای مثال، کالج‌ها و مدارس هنوز از روش قدیمی استفاده از دانش‌آموزان برای نوشتن طرح‌های تجاری استفاده می‌کنند. علاوه بر این، او استدلال کرد که مربیان کارآفرینی به تدریج سخنرانی‌های کلاسی را به جای سخنرانان مهمان و گفتگوهای کلاسی جایگزین می‌کنند.

یکی از اهداف مهم آموزش کارآفرینی، تغییر مثبت نگرش افراد نسبت به کارآفرینی است. زنگ و هونینگ^{۳۱} (۲۰۱۶) چهار متغیر را که معمولاً برای ارزیابی اثربخشی آموزش کارآفرینی استفاده می‌شود شناسایی کردند: خودکارآمدی کارآفرینی، نگرش‌های کارآفرینانه، مقاصد کارآفرینانه و نتایج یادگیری کارآفرینانه. ما آنها را در چهار گروه از نتایج یادگیری دسته‌بندی کرده ایم. از نظر کارآفرینی، خودکارآمدی به باور فرد به توانایی خود برای انجام یک کار یا مجموعه خاصی از وظایف مرتبط با راه‌اندازی یک کسب و کار جدید اشاره دارد. کارآفرینی دانشجویی بر احتمال کارآفرین بودن تأثیر می‌گذارد.

۳- بررسی چهار مورد

این بخش به طور خلاصه به بررسی چهار برنامه برتر آموزش کارآفرینی از نقاط مختلف جهان می‌پردازد. کالج بابسون، دانشگاه میشیگان، دانشگاه لنکستر و آکادمی اجرایی دانشگاه فنی وین و دلیویو این برنامه‌ها را ارائه می‌دهند. هر برنامه در این دانشگاه‌ها مدل آموزشی کارآفرینی متفاوتی را نشان می‌دهد. اولین نمونه در مقطع کارشناسی، نمونه‌ای است که توسط کالج بابسون ارائه شده است (مدل اعتباریابی شده اکوئیز^{۳۲}) که بررسی پرینستون آن را به عنوان برترین برنامه کارآفرینی مقطع کارشناسی در آمریکا در سال ۲۰۱۵ رتبه‌بندی می‌کند. نمونه دوم در مقطع کارشناسی ارشد توسط دانشگاه میشیگان ارائه شده است (مدل اعتباریابی شده AACSB) که رتبه اول را برای برنامه‌های تحصیلات تکمیلی دارد. علاوه بر اینها، دو مثال دیگر از اتحادیه اروپا گرفته شده است که یک برنامه تحصیلات تکمیلی -MBA- در وین است که به طور مشترک توسط دانشگاه فناوری وین ارائه شده است (مدل اعتباریابی شده EFMD EQUIS، AACSB، و انجمن MBA) و دانشگاه اقتصاد و تجارت وین (اعتباریابی شده توسط: انجمن MBAs، FIBAA، و EFMD EQUIS). دومین برنامه اروپایی یک برنامه کارشناسی در انگلستان در دانشگاه لنکستر (مدل اعتباریابی شده AACSB) است.

محتوای برنامه درسی و روش‌های آموزشی این چهار مطالعه موردی با استفاده از طبقه‌بندی مورد بحث سیرلخاتیم و گانگی^{۳۳} (۲۰۱۵) که عبارتند از: «آموزش در مورد کارآفرینی»، «آموزش برای کارآفرینی» و «آموزش از طریق کارآفرینی» به‌طور کامل تحلیل می‌شوند. دسته اول دانش‌شناختی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا به آنها کمک کند کارآفرین شوند. در حالی که دومی به دانش‌آموزان تجربه عملی با اقدامات کارآفرینان و فعالیت‌های روزانه ارائه می‌دهد.

کالج بابسون که به مدت ۲۶ سال متوالی در برنامه‌های آموزش کارآفرینی پیشرو بوده است ۱۹ دوره کارآفرینی را ارائه می‌دهد. تعداد کمی از آنها دوره‌های سنتی هستند (مثلاً طرح کسب و کار) و بیشتر آنها در محتوا و روش‌های تدریس تجربی هستند. برخی از برنامه‌های ارائه شده عبارتند از: زندگی در تجربه کارآفرینی، طراحی محصولات یا خدمات و چالش‌نهایی

³¹ Zeng & Honig

³² EQUIS accredited

³³ Sirelkhathim and Gangi

کارآفرینی (بابسون^{۳۴}، ۲۰۱۴). برخلاف کالج بابسون که توضیحات مفصلی از اهداف دوره، محتوا و روش‌های آموزشی ارائه می‌کند، وبسایت دانشگاه میشیگان دوره‌های کارآفرینی خود را تعمیم می‌دهد. این برنامه برای دانشجویان علاقه مند به دنبال کارآفرینی فناوری طراحی شده است. برخی از دوره ها شناسایی فرصت ها و نوآوری سیستم ها هستند و همه به موازات یک عنصر عملی تدریس می شوند (دانشگاه میشیگان^{۳۵}، ۲۰۱۴) در دانشگاه لنکستر، برنامه BSC برای حمایت از دانش آموزان در توسعه مهارت های کارآفرینی در خلاقیت، شناسایی فرصت ها، شبکه های اجتماعی، راه اندازی کسب و کار و فروش طراحی شده است (دانشگاه لنکستر^{۳۶}، ۲۰۱۷). طبق وب سایت آن، محتوا بین ۳-۴ سال مطالعات به مراحل تقسیم می شود که به تدریج مهارت های کارآفرینی را ایجاد می کند. نمونه ای از محتوای برنامه درسی برای سال اول (کشف همانطور که آنها نام می برند) کشف کارآفرینی و تجزیه و تحلیل کسب و کار است. سال دوم (سال سرعت) شامل مازول هایی مانند چالش نوآوری اجتماعی و مازول کسب و کار است که هسته اصلی مازول های "یادگیری با انجام" هستند. در حالی که سال سوم اختیاری است، جایی که به دانش آموزان این فرصت داده می شود تا کار در کشور دیگری را تجربه کنند. سال آخر اجباری است، جایی که دانش آموزان با شرکت در چالش کارآفرینی در فرآیند کارآفرینی غوطه ور می شوند. برنامه چهارم یک MBA حرفه ای در کارآفرینی و نوآوری در وین است. این برنامه تمرین محور، مدیران حرفه ای، مدیران نوآوری و کارآفرینان با پیشینه فن آوری را هدف قرار می دهد. محتوا بر نوآوری متمرکز است، از جمله منابع نوآوری، استراتژی، بازاریابی، سازماندهی و تامین مالی و مازول رهبری کارآفرینی. در حالی که وبسایت برنامه جزئیاتی از روش‌های آموزشی آن را ارائه نمی‌دهد، با این حال، برخی از روش‌های غیرعادی مانند برخی جلسات برگزار شده در موزه‌ها و فضاهای باز استفاده می‌شوند.

جدول ۱ مروری بر محتویات برنامه درسی و روش های تدریس چهار مطالعه موردی ارائه می دهد. تمرکز مرور بر دوره های ارائه شده و روش های مورد استفاده برای ارائه این دوره ها است. هدف ما از انجام این بررسی، پاسخ به این سوال است که برنامه های کارآفرینی با رتبه برتر چه چیزی را آموزش داده اند و چگونه آموزش داده اند؛ بنابراین، نیاز به مدلی وجود دارد که موسسات آموزش کارآفرینی بتوانند از آن برای طراحی و اجرای برنامه های آموزش کارآفرینی خود استفاده کنند.

جدول ۱				
محتویات برنامه درسی و روش های تدریس برنامه کارآفرینی با رتبه برتر				
مورد ۱	مورد ۲	مورد ۳	مورد ۴	
کالج بابسون	دانشگاه میشیگان	دانشگاه لنکستر	دانشگاه فناوری وین و آکادمی اجرایی WU	
برنامه تحصیلی	محتوای تجربی (مانند کارآفرینی و شناسایی فرصت ها؛ راه اندازی و اجرای یک تجارت رسانه دیجیتال)	محتوای متمرکز بر کارآفرینی و فناوری (به عنوان مثال، اکتشاف فرصت، حسابداری کارآفرینی و جنبه های	محتوایی که به تدریج مهارت های کارآفرینی را ایجاد می کند (به عنوان مثال، کشف کارآفرینی، تجزیه و تحلیل کسب و	دانش مدیریت تمرین محور با تمرکز ویژه بر نوآوری (به عنوان مثال، منابع نوآوری، بازاریابی نوآوری،

³⁴.Babson

³⁵.University of Michigan

³⁶.Lancaster University

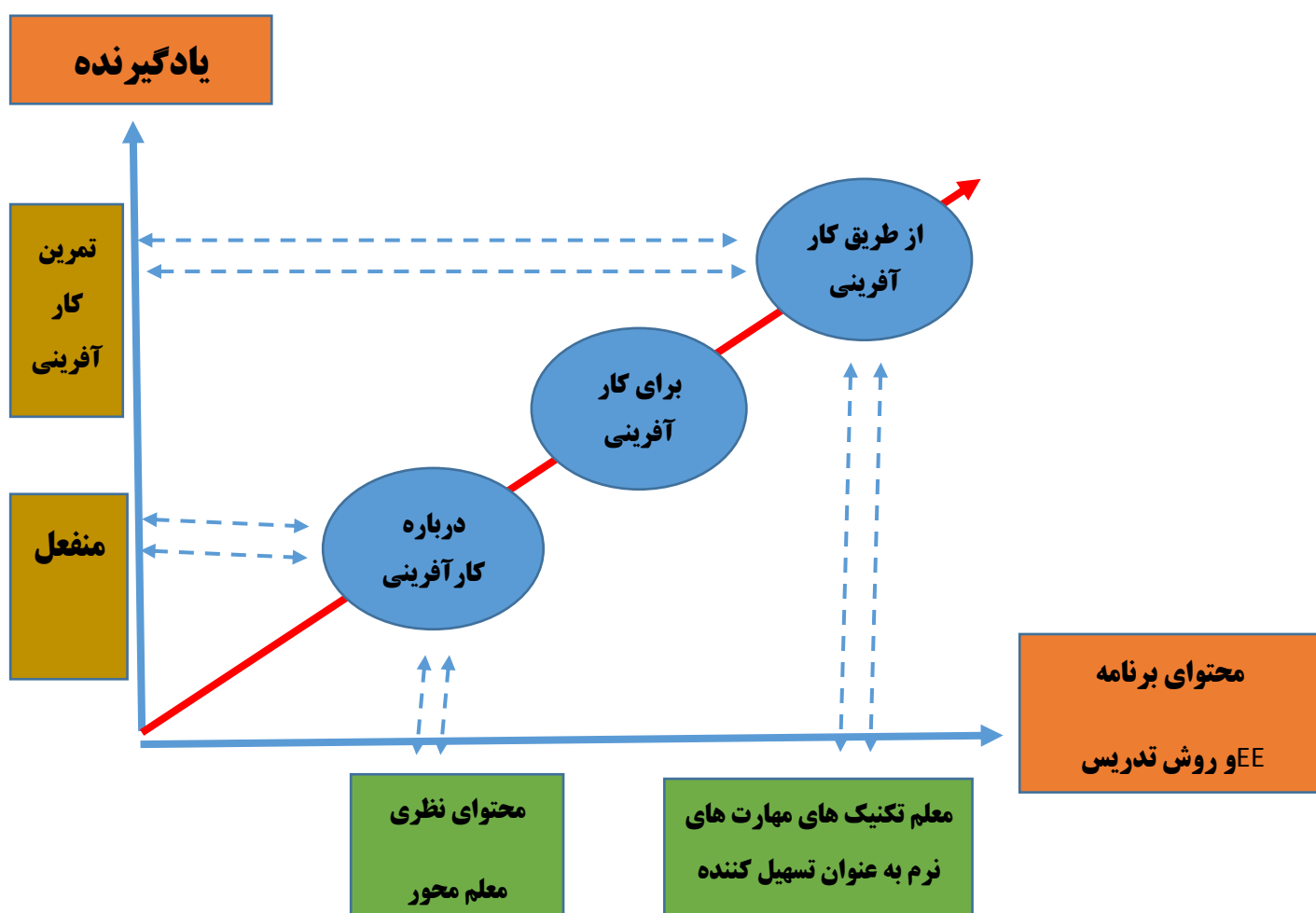
مدیریت افراد)	کار)	قانونی کارآفرینی)		
تمرین محور- این برنامه به گونه ای طراحی شده است که در کارهای روزانه شرکت کنندگان (به عنوان مثال، جلسه تیم سازی در فضای باز و شبیه سازی های تجاری) اجرا شود.	دانش آموزان در معرض چالش های مختلفی قرار می گیرند که در آن نقش های مختلفی را ایفا می کنند (به عنوان مثال، چالش رهبری و نوآوری اجتماعی، کار در یک سازمان یا تحصیل در خارج از کشور)	تجربه واقعی کسب و کار (به عنوان مثال، بوت کمپ تجاری و فناوری و انکوباتور تجربه راه اندازی عملی)	روش های تدریس تجربی (به عنوان مثال، ایجاد یک کسب و کار واقعی؛ توسعه یک راه حل تجاری)	روش تدریس

از موارد فوق، چهار مطالعه موردی که برنامه های دارای رتبه برتر هستند، دانش آموزان را با "یادگیری از طریق انجام" درگیر می کنند. با این وجود، مأموریت استخراج بهترین شیوه ها پیچیده است و شامل پاسخ دادن به سؤالات بسیاری علاوه بر «برنامه درسی چیست؟» یا «چگونه تدریس می شود؟» است. طبق نظر ریدوت و گری (۲۰۱۳) سؤالات دیگری که می تواند در سایر تلاش های تحقیقاتی مورد بررسی قرار گیرد این است که هدف برنامه چیست؟ معلم کیست؟ نوع دانشگاه چیست و معیارهای انتخاب دانش آموزان توسط این برنامه های رتبه برتر چیست؟ با این وجود، اجماع عمومی بر این است که هرچه برنامه بیشتر تجربی باشد، به کارآفرینان فارغ التحصیل کمک بهتری خواهد کرد (کوپ^{۳۷}، ۲۰۰۵). موارد نشان می دهد که آموزش کارآفرینی نه تنها بر آموزش سنتی افراد متمرکز است، بلکه تمرکز بر فرصت های تجاری و موضوعات زمینه ای را نیز افزایش داده است. آموزش کارآفرینی نیز توجه کمتری به موارد آموزشی دارد و بیشتر بر مشارکت فعال دانش آموزان تمرکز دارد. علاوه بر این، در روش های تدریس، روش های سنتی تدریس که در آن مربی مطالب را ارائه می کند و یادگیرنده نقش انفعالی دارد، به ندرت در چهار مورد استفاده می شود. روش های آموزشی مورد استفاده در چهار مورد برای ارتقای مهارت های بین فردی، ویژگی های رهبری، خلاقیت و مهارت های حل مسئله مناسب است. به این ترتیب، آنها را می توان به عنوان آموزش از طریق روش کارآفرینی با استفاده از طبقه بندی در شکل ۱ طبقه بندی کرد.

۴- چارچوب مفهومی و گزاره ها

بررسی ادبیات گسترده و چهار مطالعه موردی مبنایی را برای توسعه چارچوب مفهومی پیشنهادی تشکیل دادند. بر اساس مدل پیشنهادی، تمرکز اصلی بهترین برنامه های کارآفرینی باید بر محتوای برنامه درسی و روش های آموزشی باشد که دانش آموزان را با درگیر کردن آنها در تمرین کارآفرینی در طول مطالعه برنامه، به مهارت های کارآفرینی مورد نیاز مجهز کند. شکل (۱) محتویات برنامه و روش های تدریس بهترین برنامه های کارآفرینی را نشان می دهد.

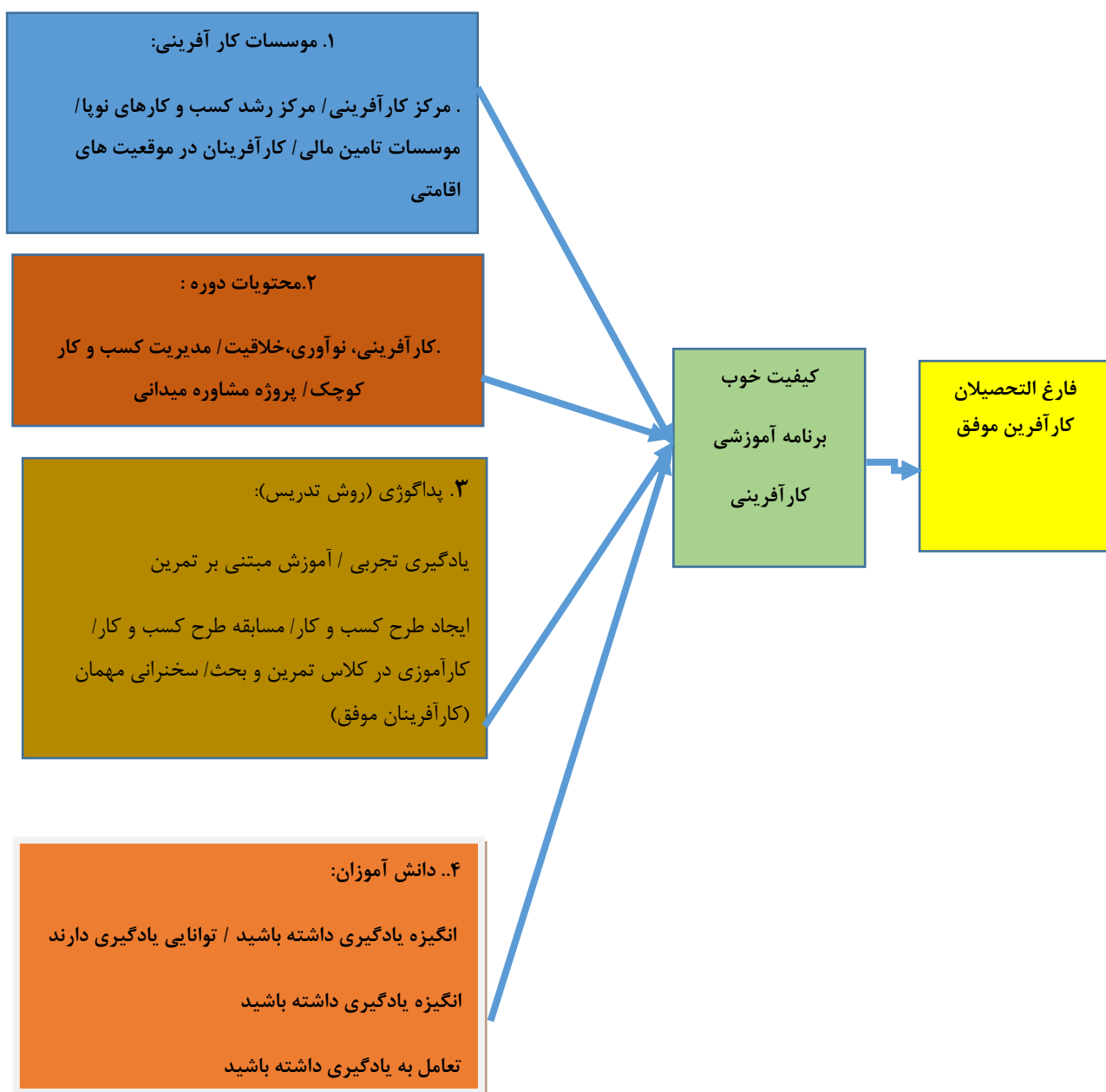
³⁷ Coupe



شکل ۱ مفاد برنامه درسی آموزش کارآفرینی و روش های تدریس را در امتداد خطوط ترسیم شده توسط سؤالات تحقیق از بهترین شیوه ها ترسیم می کند. این رابطه بین «چه» و «چگونه» یک برنامه آموزش کارآفرینی را توضیح می دهد و چگونه ارائه برنامه دانشجویان را در تمرین کارآفرینی درگیر می کند. همانطور که از شکل مشاهده می شود، در برنامه های آموزش کارآفرینی که آموزش در مورد کارآفرینی را اتخاذ می کنند، نقش مربی محوری است، مشارکت دانش آموز محدود است و مواد آموزشی تئوری است. در این حالت، همه چیز توسط معلمان و دانش آموزان به عنوان گیرندگان منفعل انجام می شود. اهداف اصلی یادگیری این نوع آموزش، ارتقای درک دانش آموزان از کارآفرینی و تشویق دانش آموزان به انتخاب کارآفرینی به عنوان یک انتخاب شغلی بالقوه است. علاوه بر این، این نوع آموزش کارآفرینی بر اساس نظریه های رفتارگرایی دانش بنا شده است. از سوی دیگر، برنامه آموزش از طریق کارآفرینی مستلزم مشارکت فعال دانش آموزان در پروژه های کارآفرینی است که در آن مربی تسهیل کننده است و تمرکز بر تکنیک های مهارت های نرم است. این نوع آموزش کارآفرینی برگرفته از نظریه سازه انگاری دانش است که در آن فراگیران بیشتر دانش را از تجربیات و عملکردها کسب می کنند. نوع سوم از آموزش کارآفرینی وجود دارد: آموزش برای آموزش کارآفرینی. مطالب و روش های تدریس در این نوع آموزش ترکیبی از دو نوع قبلی آموزش کارآفرینی است. تمرکز آن بر روشنگری دانشجویان در مورد عملیات و رویه های کارآفرینی و جنبه های مختلف کارآفرینی است؛ بنابراین، فرآیند یادگیری بر ارائه مهارت ها و دانش لازم برای ایجاد یک سرمایه گذاری تجاری جدید و ارتقای نگرش کارآفرینانه با مطالعات موردی عملی متمرکز است. تا کنون، دستورالعمل گسترده ای در مورد آموزش کارآفرینی با کیفیت خوب و بهترین شیوه ها در آموزش کارآفرینی نمایش داده شده است.

با این وجود، عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش کارآفرینی مشخص نشده است. بخش بعدی یک چارچوب مفهومی را پیشنهاد می‌کند که روابط مفروض بین مؤلفه‌های مختلف آموزش کارآفرینی، مانند دانش‌آموز، معلم، مؤسسات و جامعه را توضیح می‌دهد. بر اساس بررسی ادبیات و چهار مورد، به نظر می‌رسد که یک آموزش کارآفرینی با کیفیت خوب، الزامات مختلفی دارد. این به سادگی تغییر در روش‌های تدریس یا مواد آموزشی نیست. بلکه مستلزم یک رویکرد کل نگر است که عناصر مختلفی را در بر می‌گیرد، مانند توانمندسازی مؤسسات دانشگاهی، محتوای برنامه درسی، شیوه‌های آموزشی و یادگیرندگان مناسب. این چهار عنصر در چارچوبی سیستماتیک برای سنجش اثربخشی و کیفیت آموزش کارآفرینی سازماندهی شده اند.

شکل ۲ عناصر اصلی آموزش کارآفرینی مؤثر و با کیفیت را نشان می‌دهد.



۵- چارچوب مفهومی آموزش کارآفرینی

چارچوب مفهومی پیشنهادی شامل بلوک‌های اساسی برای یک برنامه آموزش کارآفرینی با کیفیت خوب است. این شامل مشخصات اصلی هر بلوک، عناصر زیربنایی که مؤسسات آموزش کارآفرینی را هدایت می‌کند و نقش مربیان و دانش‌آموزان است. این چارچوب با پیش‌فرض‌هایی مواجه است که رویکرد آموزشی مرسوم برای آموزش کارآفرینی مناسب نیست، زیرا برخی از مهارت‌های کارآفرینی (مانند خلاقیت و نوآوری) نمی‌توانند از طریق یک رویکرد آموزشی مرسوم ارائه شوند. بلکه نیازمند رویکردهای آموزشی یکپارچه و تجربی مدرن است که چهار رکن اصلی یک برنامه آموزشی موفق کارآفرینی را پوشش می‌دهد. یادگیری تجربی باید شامل تجربیات عملی مانند کارآموزی، پروژه‌ها و شبیه‌سازی باشد که به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا آنچه را که می‌آموزند در موقعیت‌های زندگی واقعی به کار گیرند. علاوه بر این، باید بر خلاقیت و نوآوری با تشویق دانش‌آموزان به تفکر خارج از چارچوب و ایجاد راه حل‌های نوآورانه برای مشکلات تأکید کند. علاوه بر این، باید راهنمایی و مربیگری ارائه دهد که دانش‌آموزان را راهنمایی و حمایت کند تا راه خود را به سمت آموزش کارآفرینی موفق هموار کند.

گزاره ۱: یادگیری کارآفرینانه موفقیت آمیز به شدت با محتوای دوره همراه با روش‌های عملی و تجربی مرتبط است. هرچه محتوای دوره در روش‌ها عملی و تجربی باشد، یک برنامه آموزشی کارآفرینی موفق‌تر خواهد بود. علاوه بر این، برنامه‌های آموزش کارآفرینی موفق به امکانات خاصی برای شکوفایی کارآفرینان نیاز دارد. چنین امکاناتی شامل مراکز کارآفرینی است. یک مرکز کارآفرینی مرکزی است که برای حمایت از کارآفرینان نوپا از طریق فراهم کردن دسترسی آنها به منابع، مربیگری و فرصت‌های شبکه‌سازی اختصاص داده شده است. این به کارآفرینان کمک می‌کند تا ایده‌های تجاری خود را اصلاح کنند، مهارت‌های خود را تقویت کنند و با دیگر کارآفرینان و کارشناسان صنعت ارتباط برقرار کنند. انکوباتورها: انکوباتورها مانند شتاب‌دهنده‌هایی هستند که به طور گسترده از کارآفرینان در توسعه و رشد کسب و کارشان حمایت می‌کنند. آنها خدماتی مانند فضای اداری، تأمین مالی، مربیگری، آموزش و فرصت‌های شبکه را ارائه می‌دهند. مؤسسات تأمین مالی حمایت مالی، سرمایه‌گذاری و منابع مورد نیاز کارآفرینان را برای شروع سرمایه‌گذاری‌های تجاری خود فراهم می‌کنند. آنها به کارآفرینان کمک می‌کنند تا منابع مالی و سرمایه‌ای را برای استارت‌آپ‌های خود تأمین کنند و به آنها امکان می‌دهند بر موانع مالی غلبه کنند. در نتیجه، مراکز کارآفرینی، انکوباتورها و مؤسسات تأمین مالی در شکل دادن به اکوسیستم کارآفرینی حیاتی هستند. یک برنامه جامع آموزش کارآفرینی باید این امکانات را در بر گیرد تا کارآفرینان مشتاق پشتیبانی و منابع لازم برای موفقیت را فراهم کند.

گزاره ۲: شواهد زیادی وجود دارد که در دسترس بودن و اثربخشی تسهیلات کارآفرینی مانند مراکز کارآفرینی، انکوباتورها و مؤسسات تأمین مالی نقش مهمی در موفقیت یک برنامه آموزش کارآفرینی دارند.

برنامه‌های آموزش کارآفرینی می‌تواند دانش‌آموزان را به دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های لازم برای موفقیت به عنوان کارآفرین مجهز کند. با این حال، تسهیلات کارآفرینی باید مکمل این برنامه‌ها باشد که در معرض دید، پشتیبانی و منابع عملی قرار می‌گیرد تا ایده‌های دانش‌آموزان را به کسب‌وکارهای بادوام تبدیل کند. در زیر دلایلی وجود دارد که چرا تسهیلات کارآفرینی برای موفقیت برنامه‌های آموزش کارآفرینی مهم است. اول اینکه دسترسی به منابع را فراهم می‌کند. مراکز کارآفرینی، انکوباتورها و مؤسسات تأمین مالی منابع زیادی مانند مربیگری، فرصت‌های شبکه‌سازی، تحقیقات بازار و خدمات حقوقی و حسابداری و گزینه‌های تأمین مالی دارند. این منابع می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا ایده‌های تجاری خود را اعتبار سنجی کنند، محصولات یا خدمات خود را اصلاح کنند و در چشم‌انداز پیچیده کسب و کار حرکت کنند. ثانیاً، همکاری و نوآوری را تقویت می‌کند: امکانات کارآفرینی محیطی مساعد برای همکاری، به اشتراک گذاشتن ایده‌ها و یادگیری از یکدیگر برای دانش‌آموزان ایجاد می‌کند. این تعاملات می‌تواند جرقه خلاقیت را برانگیزد، دانش‌آموزان را برای ریسک‌پذیری برانگیزد و آنها را در معرض دیدگاه‌ها و تجربیات متنوع قرار دهد. ثالثاً، یادگیری تجربی را افزایش می‌دهد: امکانات کارآفرینی تجربیات

یادگیری عملی را ارائه می دهد که مکمل آموزش کلاس درس است. به عنوان مثال، انکوباتورها دسترسی به تجهیزات آزمایشگاهی، امکانات تولید و مراکز آزمایش را فراهم می کنند که در آن دانش آموزان می توانند نمونه اولیه و آزمایش محصولات خود را انجام دهند. از سوی دیگر، مؤسسات تأمین مالی به دانشجویان اجازه می دهند تا برای راه اندازی کسب و کار خود برای سرمایه اولیه یا مخاطره آمیز درخواست دهند. در نهایت، شانس موفقیت را افزایش می دهد: کارآفرینی مخاطره آمیز است و بسیاری از استارت آپ ها در چند سال اول شکست می خورند. با این حال، کارآفرینانی که به امکانات کارآفرینی دسترسی دارند، تمایل به موفقیت بالاتری دارند؛ زیرا آنها به منابع، شبکه ها و تخصص مورد نیاز برای غلبه بر چالش های رایج مانند کمبود بودجه، تحقیقات بازار ناکافی و تناسب ضعیف محصول با بازار دسترسی دارند.

با توجه به اینکه موفقیت یک برنامه آموزش کارآفرینی به شدت به در دسترس بودن و اثربخشی امکانات کارآفرینی متکی است، این امکانات منابع، همکاری ها، یادگیری تجربی و پشتیبانی لازم برای تبدیل ایده های دانش آموزان به کسب و کارهای پررونق را فراهم می کنند؛ بنابراین، سیاستگذاران، مؤسسات دانشگاهی و ذینفعان در اکوسیستم کارآفرینی باید در تسهیلات کارآفرینی برای ارتقای نتایج برنامه های آموزش کارآفرینی سرمایه گذاری کنند.

گزاره ۳: موفقیت یک برنامه آموزش کارآفرینی به انگیزه ها، توانایی و تمایل دانش آموزان برای یادگیری بستگی دارد. انگیزه دانش آموز نقش حیاتی در تعیین موفقیت برنامه های آموزش کارآفرینی دارد. سطح انگیزه و انگیزه برای موفقیت باعث تقویت ذهنیت کارآفرینی در بین دانش آموزان می شود. دانش آموزانی که برای یادگیری در مورد کارآفرینی انگیزه دارند، تمایل به کسب دانش جدید، توسعه مهارت های حل مسئله و پذیرش ریسک های حساب شده را نشان می دهند. این ویژگی ها برای هر کارآفرین موفق حیاتی است و از اجزای ضروری آن است

برنامه های آموزش کارآفرینی بنابراین، دانش آموزان با انگیزه بیشتر احتمال دارد که خود را به طور فعال درگیر یادگیری و جذب مفاهیم تدریس شده کنند که منجر به نتایج بهتر می شود.

علاوه بر این، توانایی یادگیری عامل مهم دیگری است که بر موفقیت برنامه های آموزش کارآفرینی تأثیر می گذارد. دانش آموزانی که دانش از قبل موجود دارند، احتمالاً مفاهیمی را که در طول این برنامه ها تدریس می شوند، حفظ کرده و به کار می برند. توانایی یادگیری همچنین سرعت یادگیری را تعیین می کند که می تواند بر کارایی کلی برنامه تأثیر بگذارد. دانش آموزانی که پایه های قوی در کسب و کار، مدیریت یا امور مالی دارند، درک بهتری از مفاهیم آموزش داده شده در برنامه های آموزش کارآفرینی دارند. با این حال، این بدان معنا نیست که دانش آموزان بدون دانش قبلی قادر به یادگیری مفاهیم جدید نیستند.

آخرین اما نه کم اهمیت، انگیزه ها هستند که نقش اساسی در پیشبرد موفقیت هر برنامه آموزش کارآفرینی دارند. مشوق ها می تواند شامل مزایای مالی، شناسایی باشد. جوایز، یا فرصتی برای ایجاد شبکه با رهبران صنعت. این انگیزه ها دانش آموزان را تشویق می کند تا تلاش بیشتری کنند و آموخته های خود را جدی بگیرند. چنین مشوق هایی دانش آموزان را تشویق می کند تا فعالانه در برنامه های آموزش کارآفرینی شرکت کنند و فضای رقابتی ایجاد کنند که آن ها را برای دستیابی به نتایج بهتر سوق دهد.

۶- بحث و نتیجه گیری

این مقاله به ارائه یک نمای کلی ارزشمند از بهترین شیوه ها در آموزش کارآفرینی، ایجاد یک چارچوب مفید و مجموعه ای از گزاره ها برای هدایت تحقیقات و عملکردهای آینده می پردازد. با رشد مداوم اکوسیستم کارآفرینی، آموزش کارآفرینی در حمایت از توسعه کارآفرینان مشتاق و تقویت رشد و شکوفایی اقتصادی اهمیت فزاینده ای پیدا می کند. هدف این مقاله بررسی

متدوال ترین و بهترین شیوه‌های آموزش و یادگیری به منظور مشارکت دادن فراگیران در تمرین کارآفرینی می باشد. نتیجه گیری ما بر اساس تجزیه و تحلیل چهار برنامه آموزشی کارآفرینی برتر در سال ۲۰۱۸، به دنبال شناسایی و پاسخگویی به سه سوال مرتبط با یادگیری کارآفرینی می باشد؛ چه چیزی را تدریس کنیم، چگونه تدریس کنیم و برای چه کسانی تدریس کنیم. تجزیه و تحلیل نشان داد که بهترین برنامه‌های عملی تجربی‌تر و سازگارتر با پیشنهادات خواهند بود. با این حال، این پژوهش بر کمبود جدی تحقیق در مورد نتایج و اثربخشی انواع مختلف برنامه‌های آموزش کارآفرینی تأکید دارد. این کمبود از تجزیه و تحلیل چهار مطالعه موردی مشاهده می شود که در آن هیچ یک از ارائه دهندگان برنامه، تعداد واقعی فارغ التحصیلانی را که کسب و کاری را شروع کرده یا رشد داده اند منتشر نکرده اند.

این مطالعه برای نتیجه گیری، محتوای برنامه درسی و روش تدریس چهار برنامه با رتبه برتر را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و دریافت که هر چه این درس تجربی تر باشد، احتمال یادگیری کارآفرینی توسط دانشجویان بیشتر است و برنامه ای را به عنوان بهترین عمل توصیف می کند که هدفی را که در وهله اول برای آن طراحی شده بود را محقق سازد. این پژوهش برای شواهد سازی بیشتر به بررسی سایر عناصر دخیل در تجربه آموزشی شامل: معلم کیست، نوع دانشگاه چیست و معیارهای انتخاب فراگیران چیست نیز می پردازد. همه اینها برای کمک به مربیان کارآفرینی و طراحان برنامه های درسی در نظر گرفته شده است که از تجربیات قبلی بیاموزند و برنامه های بهتری بسازند که به اولویت های سیاست گذاران در زمینه ایجاد مشاغل و کسب و کار، رشد اقتصادی، تمرین های تجربی، سخنرانان مهمان، شبیه سازی ها و تجربیات حرفه ای شخصی برای کمک به کسب و کار دست یابد. یادگیری تجربی یک رویکرد آموزشی قابل دوام برای آموزش کارآفرینی است. نقش یک مربی باید شامل تلاش برای بهبود مستمر باشد که این فرایند صرفاً منحصر به تسهیل انتقال دانش حرفه ای و بنیادی نمی باشد، بلکه شامل توانمندسازی فراگیر برای اجرای آن دانش در عمل نیز می باشد. آموزش کارآفرینی مشخصاً یک پدیده زمینه‌ای است و از این منظر، زمینه و پیشینه مربوطه مربی نیز از عوامل اصلی برای درک پیشینه آنها و زیرساخت آموزشی موجود برای آموزش کارآفرینی می باشد.

منابع

1. Bennett, M., & Barkhuizen, N. (2014). Evaluating the effectiveness of an adult entrepreneurship training programme. In *Balkan Region Conference on Engineering and Business Education* 1(1), 17-22.
2. Bridge, S., Hegarty, C., & Porter, S. (2010). Rediscovering enterprise: developing appropriate university entrepreneurship education. *Education+ Training*, 52(8/9), 722-734.
3. Cope, J. (2005). Toward a dynamic learning perspective of entrepreneurship. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 29(4), 373-397.
4. Fayolle, A. (2018). Personal views on the future of entrepreneurship education. In *A Research Agenda for Entrepreneurship Education*, 127-138.
5. Fayolle, A., & Gailly, B. (2008). From craft to science: Teaching models and learning processes in entrepreneurship education. *Journal of European Industrial Training*.
6. Fayolle, A., & Gailly, B. (2015). The impact of entrepreneurship education on entrepreneurial attitudes and intention: Hysteresis and persistence. *Journal of Small Business Management*, 53(1), 75-93.
7. Fiet, J.O. (2001). The theoretical side of teaching entrepreneurship. *Journal of Business Venturing*, 16(1), 1-24.

8. Fillion, L.J., & Dolabela, F. (2007). The making of a revolution in Brazil: The introduction of entrepreneurial pedagogy in the early stages of education. Chapters.
9. Galvão, A., Marques, C., & Ferreira, J.J. (2020). The role of entrepreneurship education and training programmes in advancing entrepreneurial skills and new ventures. *European Journal of Training and Development*, 44(6/7), 595-614.
10. Gibb, A. (2002). In pursuit of a new 'enterprise' and 'entrepreneurship' paradigm for learning: creative destruction, new values, new ways of doing things and new combinations of knowledge. *International Journal of Management Reviews*, 4(3), 233-269.
11. Gibb, A., Haskins, G., & Robertson, I. (2013). Leading the entrepreneurial university: Meeting the entrepreneurial development needs of higher education institutions. *Universities in Change: Managing Higher Education Institutions in the Age of Globalization*, 9-45.
12. Honig, B. (2004). Entrepreneurship education: Toward a model of contingency-based business planning. *Academy of Management Learning & Education*, 3(3), 258-273.
13. Isaacs, E., Visser, K., Friedrich, C., & Brijlal, P. (2007). Entrepreneurship education and training at the Further Education and Training (FET) level in South Africa. *South African journal of education*, 27(4), 613-629.
14. Jones, A., & Jones, P. (2011). "Making an impact": a profile of a business planning competition in a university. *Education+ Training*, 53(8/9), 704-721.
15. Jones, P., Pickernell, D., Fisher, R., & Netana, C. (2017). A tale of two universities: graduates perceived value of entrepreneurship education. *Education+ training*.
16. Karimi, S., Chizari, M., Biemans, H. J., & Mulder, M. (2010). Entrepreneurship education in Iranian higher education: The current state and challenges. *European Journal of Scientific Research*, 48(1), 35-50.
17. Katz, J.A. (2003). The chronology and intellectual trajectory of American entrepreneurship education: 1876-1999. *Journal of business venturing*, 18(2), 283-300.
18. Klapper, R. (2004). Government goals and entrepreneurship education—an investigation at a Grande Ecole in France. *Education+ Training*.
19. Klapper, R., & Tegtmeier, S. (2010). Innovating entrepreneurial pedagogy: examples from France and Germany. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 17(4), 552-568.
20. Kuratko, D.F. (2005). The emergence of entrepreneurship education: Development, trends, and challenges. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 29(5), 577-597.
21. Lancaster University, (2017). BSc Entrepreneurship and Management.
22. Linton, G., & Klinton, M. (2019). University entrepreneurship education: a design thinking approach to learning. *Journal of Innovation and Entrepreneurship*, 8(1), 1-11.
23. Lundqvist, M.A., & Williams Middleton, K.L. (2013). Academic entrepreneurship revisited—university scientists and venture creation. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 20(3), 603-617.
24. Mwasalwiba, E. (2010) 'Entrepreneurship education: a review of its objectives, teaching methods, and impact indicators', *Education and Training*, 52(1), 20-47.
25. Nabi, G., & Lnan, F. (2011). Graduate entrepreneurship in the developing world: intentions, education and development. *Education+ Training*, 53(5), 325-334.
26. Neck, H.M., & Greene, P.G. (2011). Entrepreneurship education: known worlds and new frontiers. *Journal of Small Business Management*, 49(1), 55-70.

27. Neck, H.M., Greene, P.G., & Brush, C.G. (2014). Practice-based entrepreneurship education using actionable theory. In *Annals of Entrepreneurship Education and pedagogy-2014*, 3-20.
28. Nurmi, P., & Paasio, K. (2007). Entrepreneurship in Finnish universities. *Education+ Training*, 49(1), 56-65.
29. Packham, G., Jones, P., Miller, C., Pickernell, D., & Thomas, B. (2010). Attitudes towards entrepreneurship education: a comparative analysis. *Education+ training*, 52(8/9), 568-586.
30. Piperopoulos, P., & Dimov, D. (2015). Burst bubbles or build steam? Entrepreneurship education, entrepreneurial self-efficacy, and entrepreneurial intentions. *Journal of Small Business Management*, 53(4), 970-985.
31. Pittaway, L., & Cope, J. (2007). Entrepreneurship education: A systematic review of the evidence. *International Small Business Journal*, 25(5), 479-510.
32. Rasmussen, E.A., & Sørheim, R. (2006). Action-based entrepreneurship education. *Technovation*, 26(2), 185-194.
33. Rideout, E.C., & Gray, D.O. (2013). Does entrepreneurship education really work? A review and methodological critique of the empirical literature on the effects of university-based entrepreneurship education. *Journal of Small Business Management*, 51(3), 329-351.
34. Robinson, S., Neergaard, H., Tanggaard, L. and Krueger, N.F. (2016) "New horizons in Rocha, E.L.D.C., & Freitas, A.A.F. (2014). Evaluation of entrepreneurship teaching among university students through the entrepreneurial profile. *Contemporary Administration Magazine*, 18, 465-486.
35. Sexton, D.L., & Bowman, N.B. (1984). Entrepreneurship education: Suggestions for increasing effectiveness. *Journal of Small Business Management (pre-1986)*, 22(000002), 18.
36. Sirelkhatim, F., & Gangi, Y. (2015). Entrepreneurship education: A systematic literature review of curricula contents and teaching methods. *Cogent Business & Management*, 2(1), 1052034.
37. Solomon, G. (2007). An examination of entrepreneurship education in the United States. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 14(2), 168-182.
38. Solomon, G.T., Duffy, S., & Tarabishy, A. (2002). The state of entrepreneurship education in the United States: A nationwide survey and analysis.
39. Tiberius, V., Weyland, M., & Mahto, R.V. (2023). Best of entrepreneurship education? A curriculum analysis of the highest-ranking entrepreneurship MBA programs. *The International Journal of Management Education*, 21(1), 100753.
40. Vesper, K.H., & Gartner, W.B. (1997). Measuring progress in entrepreneurship education. *Journal of Business Venturing*, 12(5), 403-421.
41. Vincett, P.S., & Farlow, S. (2008). "Start-a-Business": an experiment in education through entrepreneurship. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 15(2), 274-288.
42. Welsh, D.H., Tullar, W.L., & Nemati, H. (2016). Entrepreneurship education: Process, method, or both? *Journal of Innovation & Knowledge*, 1(3), 125-132.
43. Zeng, Z. E., & Honig, B. (2016). How should entrepreneurship be taught to students with diverse experience? A set of conceptual models of entrepreneurship education. In *Models of Start-up Thinking and Action: Theoretical, Empirical and Pedagogical Approaches*, 18, 237-282.